

Relationship between the concept of modern Islamic culture and civilization in the discourse of the leadership of the Islamic Revolution of Iran

ABSTRACT

Culture in the discourse of leadership and its role in the realization of the new Islamic civilization is one of the important issues that need a lot of research. Because culture is very important in the view of the Supreme Leader and has a central position. Accordingly, the importance of the place of culture in the thought of his leadership has led him to develop a cultural engineering perspective. From this perspective, cultural engineering is an effort to strengthen the main components of the Islamic and national culture of the country and protect it against the influence and influence of destructive Western culture, in the light of proper arrangement and determining the correct position of all cultural dimensions and characteristics of society. These efforts require the proper design of cultural engineering. This article seeks to answer the question, what is the relationship between the concept of culture and modern Islamic civilization in the discourse of the leadership of the Islamic Revolution of Iran? The methodology of the present research, which has a descriptive-analytical nature, has provided and collected the required data and information through the library method and by accessing sources such as books, articles and research reports. In the form of the theory of modern Islamic civilization, it is based on the hypothesis that according to the Supreme Leader, culture has provided the basis for the formation and expansion of modern Islamic civilization in society. The results of the research have shown that there is a close and significant relationship between modern Islamic culture and civilization. In such a way that culture is effective in the realization of modern Islamic civilization and according to the most important components of Islamic civilization, which is God-centered based on human dignity and cultural and spiritual values, this statement is confirmed.

Keywords: Culture, Leadership Discourse, New Islamic Civilization, Cultural Engineering.

مقدمه

فرهنگ و تمدن از مهم‌ترین مولفه‌های تاریخی یک کشور و ملت محسوب می‌شود و در هر برده تاریخی می‌تواند اعتلا و استحکام یافته و رهمنویسی کننده یک ملت به سوی سعادت و پیشرفت باشد. فرهنگ جز جدایی ناپذیر و بستر همه فعالیت‌ها، کنش‌ها، راهبردها، سیاست گذاری‌ها و تصمیمات اساسی یک کشور است و بنیان نهادن رویکرد یک جامعه و اهداف آن بر پایه یک فرهنگ متعالی می‌تواند به شکل گیری یک تمدن پویا، ماندگار و توسعه بخش بیانجامد. بر این اساس پرداختن به مقولاتی مانند فرهنگ و شکل گیری تمدن نوین اسلامی در ایران حائز اهمیت بسیار و شایان توجه است. مقوله‌ای که همیشه مورد تاکید رهبری معظم انقلاب اسلامی و در متن راهبردی داهیانه ایشان بوده است.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با فدایکاری و بصیرت مردم و احیای تمدنی نوین توسط امام خمینی (ره) در عصر بحران معنویت، تحولی نوین در جهان قرن بیستم اتفاق افتاد و ظهور انقلاب اسلامی و گسترش آن، به چالش اصلی غرب و یکی از موانع اصلی جهانی سازی فرهنگ لیبرال دموکراتی غربی شد. رویکرد آمریکا و دشمنان ایران پس از ناکامی در عرصه‌های گوناگون نظامی و سیاسی، بر راهبرد جنگ نرم تمرکز یافت. نوعی دگردیسی مفهوم جنگ از نگرش سخت افزارانه به رهیافت‌های نرم، بی توجهی به جنگ نرم، نظامهای سلطه از جنگ نرم برای دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی بهره گرفتند تا نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ ایجاد نمایند. طرح موضوع جنگ نرم و خطر ناتوانی فرهنگی، هشداری در همین زمینه تغییر راهبرد استکبار جهانی است که در تقابل با خیزش و حرکت بالنده اسلامی و دین گرایی در سطح منطقه به وجود آمده و قلمرو آن مجموعه جغرافیایی جهان اسلام می‌باشد. از این منظر و برای مقابله با تهاجم نوین جهان غرب، توجه به مقوله فرهنگ و تمدن نوین اسلامی اهمیت استراتژیک و ملی پیدا کرد و در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی نیز محوریت خاصی یافت.

فرهنگ در جامعه اسلامی و انقلابی که دارای اهدافی متعالی با جهان بینی غایتمند الهی است، اهمیتی مضاعف می‌یابد و آثار مشخصی را در پی دارد. در اندیشه امام خامنه‌ای «فرهنگ یک ملت می‌تواند ان ملت را پیشرفت، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوادر و دارای ابودی جهانی کند». چراکه بستر اصلی زندگی انسان و حرکت سیاسی و علمی اش به شمار می‌رود [35]. از منظر ایشان فرهنگ به عنوان هویت ملی که روح و حقیقت یک ملت

نسبت مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران

حمزه صفوی‌بیگی

دانشجوی دکترا تحصیلی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

*فرامرز میرزا زاده احمد بیگ لو Ph.D

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام.

محمد کمالی زاده Ph.D

استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی.

چکیده

فرهنگ در گفتمان رهبری و نقشی که در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد، از موضوعات مهمی است که نیازمند تحقیق و پژوهش بسیار است. از آن جا که فرهنگ در دیدگاه مقام معظم رهبری از اهمیت بسیاری برخوردار است و جایگاهی محوری دارد. بر این اساس، اهمیت جایگاه فرهنگ در اندیشه مقام رهبری ایشان را به طرح دیدگاه مهندسی فرهنگی واداشته است. مهندسی فرهنگی، از این منظر تلاش در جهت تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ و تأثیر فرهنگ مخرب غربی، در پرتو چیش مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه است و دستیابی به نتیجه در خور این تلاش‌ها، نیازمند طراحی صحیح مهندسی فرهنگی می‌باشد. این نوشтар با هدف بررسی جایگاه فرهنگ در گفتمان رهبری و نقش فرهنگ در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی درصد پاسخگویی به این پرسش است، که چه رابطه‌ای میان مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟ در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و برای گردآوری داده‌ها از روش استادی و کتابخانه‌ای بهره برده است تا مهم‌ترین بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی متأثر از فرهنگ را از دیدگاه مقام معظم رهبری با استناد به مجموعه اثار گفتاری و نوشтарی ایشان استخراج و ارائه نماید. این مقاله در قالب نظریه تمدن نوین اسلامی بر این فرضیه استوار است که از نظر مقام معظم رهبری فرهنگ زیربنای شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی در جامعه را فراهم اورده است. نتایج پژوهش نشان داده است که رابطه وثیق و معناداری میان فرهنگ و تمدن نوین اسلامی برقرار است. به گونه‌ای که فرهنگ در تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار بوده و با توجه به مهندسی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی و معنوی است، این گزاره تایید می‌شود.

كلمات کلیدی: فرهنگ، گفتمان رهبری، تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

نویسنده مسئول: f.mirzazade@gmail.com

پیشینه پژوهش

در زمینه فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری پیش از این تحقیقات متعدد و ارزشمندی صورت گرفته است و در قالب کتب، پایان نامه‌ها و مقالات به چاپ رسیده که برای غنای مطالب این مقاله و در نظر گرفتن نوادری و پاسخ به سوالی که تاکنون بدان پاسخ داده نشده، مورد بررسی قرار گرفته است. احسان بانایی در کتاب «بایسته‌های فرهنگ عمومی از منظر مقام معظم رهبری» مصادیق کاستی‌های فرهنگ عمومی را مورد مطالعه قرار داده است. محمد حسن جعفرزاده نیز در کتاب «منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری» به ابعاد مختلف فرهنگ در دیدگاه مقام معظم رهبری تا سال ۱۳۹۳، پرداخته است. امیر سیاهپوش و علی افاقور نیز در کتاب دیگری با جمع اوری همه مولفه‌های فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری در چارچوبی دانشنامه‌ای تدوین شده است. این سه کتاب در عین تلاش برای تبیین فرهنگ و همه مولفه‌های آن از این حیث با ساختار مقاله پیش روی شما متفاوت هستند که به رابطه فرهنگ با شکل گیری تمدن نوین اسلامی نپرداخته‌اند.

محمد حسین موحد در پایان نامه‌اش در سال ۱۳۹۶، به تاثیر فرهنگ قرانی بر زندگی فردی و اجتماعی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است که در واقع تاثیر فرهنگ بر زیست اجتماعی است. نفیسه سادات فاطمی قمی، نیز در همین سال فرهنگ سازمانی را در اندیشه مقام معظم رهبری مورد مطالعه قرار داده است. عذرآ سفید گری در سال ۱۳۹۴ تمرکز پایان نامه خود را بر خط مشی فرهنگی در دانشگاه با تکیه بر سخنان مقام رهبری گذاردید است. هر یک از این پایان نامه‌ها بر بخشی تخصصی به لحاظ موقعیت اجتماعی و یا مقوله‌ای از فرهنگ پرداخته‌اند که از حیث جامعیت با مقاله حاضر متفاوت هستند. مقالات رامین کریمی و همکاران در حوزه اسیب‌شناسی فرهنگی، علیرضا پناهی در حوزه دغدغه‌های فرهنگی امام خامنه‌ای و وزهرا عسگریان و محمد رحیمی در حوزه فرهنگ و اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری هر یک از دریچه‌ای بحث فرهنگ را در اندیشه امام خامنه‌ای مورد بررسی قرار داده و مفاهیم ارزشمندی را بیان کرده‌اند که این مقالات هم به لحاظ پرداختن به یک بعد تخصصی و همچنین خلا ارتباط فرهنگ با تمدن نوین اسلامی با مقاله حاضر تفاوت مطالعاتی دارند.

ادبیات نظری فرهنگ

واژه فرهنگ که در زبان انگلیسی "culture" و در عربی «الثقافه» نامیده می‌شود. در فرهنگ سخن، فرهنگ چنین

را می‌سازد، پایه و مبنای سایر عرصه‌های زیست اجتماعی است و «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست، حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند» [14].

عناصر تشکیل دهنده فرهنگ عمومی یک کشور از منظر ایت الله خامنه‌ای، عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلقيات فردی و اجتماعی است. عزم و اراده، غرور ملی، احساس تووانی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انصباط، نشاط، همکاری و مشارکت همگی خلقيات اجتماعی تشکیل دهنده فرهنگ یک کشور هستند و موقفيت یک ملت و کشور در دستیابی به آرمان‌هايش، وابسته به همراهی ايمان و عقیده‌ي با اين خلقيات اجتماعي است. كه آينده یک کشور را می‌سازد.] [6].

آنگاه که مژوهات فرهنگ متعالی یک جامعه اسلامی پویا و ارمان خواه فراهم گردد می‌توان مقدمات پایه گذاري تمدن نوین اسلامی را نیز فراهم کرد. تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادي جامعه را در بر می‌گيرد و ابعاد وجودی فرد و جامعه را بر محور اسلام پوشش می‌دهد. رهبر انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، با اشاره به ورود انقلاب اسلامی ايران به دومين مرحله خودسازی، ارمان بزرگش يعني ايجاد تمدن نوین اسلامی تاكيد می‌کنند. شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه ايشان، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادي و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالي انان، در عالم طبیعت و در وجود خود انان تعییه کرده است. ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری، شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی هستند که قابلیت اين را دارند که جهان‌بینی مادي ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند.] [13].

سؤال اساسی این مقاله این است که فرهنگ در گفتمان رهبری چه تاثیر و جایگاهی در شکل گیری تمدن نوین اسلامی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی و تحلیل محتوا و متن و مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفتیم تا فرضیه مقاله را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. در متن پیش روی شما فرضیه مقاله با این عبارت که: «به نظر مرسد از نظر مقام معظم رهبری فرهنگ زیربنای شکل گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی است». با بررسی جایگاه و اهمیت فرهنگ در گفتمان رهبری و نقش فرهنگ در تحقق تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری تبیین و تحلیل می‌شود.

رابطه تمدن و فرهنگ

مالک بن نبی، تمدن را مجموعه‌ای از شرایط اخلاقی و مادی می‌داند که برای هر فردی از افراد یک جامعه و در هر مرحله از مراحل وجودی ان، فرصتی را فراهم می‌آورد که انسان در سای این نیرو و ظرفیت وجودی بتواند رشد کند [1]. این رشد صرفاً در حوزه پیشرفت‌ها و توسعه مادی رخ نمی‌دهد چراکه: تمدن مجموعه‌ای از عناصر مادی و معنوی است که جامعه را مهیاً رشد و توسعه می‌سازد [3]. اساساً مقوله فرهنگ تمدن «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفت‌هه و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان ان پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» [48]. ویل دورانت بروز خلاقیت فرهنگی را از دل نظم اجتماعی تبیین می‌کند و می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی ان، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود ان، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» [60].

اساساً هر تمدنی بر پایه‌ی پیشینه‌های تاریخی - اجتماعی، پیش‌گامنه‌های معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی، جامعه‌شناختی خاص و مشتمل بر فرهنگ و آداب و رسوم و هنر و ادبیات و نظام اجتماعی مخصوص به آن، استوار است [60]. مالک بن نبی که به فیلسوف تمدن معروف است، سه گانه انسان، زمان و زمین را در نظریه تمدنی خویش عوامل اصلی بروز تمدن می‌داند. عامل اراده انسانی در کنار محدوده جغرافیایی و زمان بروز و ظهور یک فرهنگ که در کنار دین و فرهنگ به عنوان مولفه‌های ساختارساز و محتوا افرین قرار می‌گیرد [2].

بنابراین فرهنگ در تمدن تنها دربرگیرنده وصول به کمال مادیات نیست و نیل به کمال اخلاقی، صفات انسانی و ملکات را نیز در خود دارد. با این نگاه حقیقت تمدن دستیابی انسان به ملکوت مادی و معنوی و کمال متنالی است هدفی که سرلوحه ادیان و پیامبران الهی بوده است [38]. عنصر اخلاقی که جامعه بشری را می‌سازد به عنوان یکی از مولفه‌های فرهنگی تمدن، نقش مهمی در برقراری ارتباطات اجتماعی و تشکیل شبکه قوی روابط اجتماعی دارد. در واقع هرگونه رابطه‌ای در جوهر خود یک ارزش فرهنگی است که توسط قواعد اخلاقی صورت‌بندی می‌شود. البته مراد بن نبی از اخلاق در اینجا، اخلاق فلسفی نیست بلکه اخلاق اجتماعی است که ناشی از روحیه اخلاقی برآمده از ادیان اسلامی است که وظیفه اصلی ان ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد در جامعه است [61].

تعریف شده است: «فرهنگ: پدیده کلی پیچیده‌ای از گرداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است [48]. در کتاب تاریخ و تمدن اسلامی علی اکبر ولایتی فرهنگ را مجموعه‌ای از سنت‌ها، ادب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی تعریف می‌کند که پاییندی ایشان به این امور باعث تمایز انها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه باورهای فرد یا گروهی خاص است و چون باورها ذهنی‌اند پس فرهنگ جنبه عینی ندارد [59].

گفتمان مقام معظم رهبری، «باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، ان چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با ان سرو و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است». ایشان گسترده‌گی فرهنگ را به هوایی که انسان تنفس می‌کند، تشبیه می‌کنند و تاکید دارند که هوای فرهنگ هم مانند هوایی که تنفس می‌کنیم باید تمیز و عاری از الودگی باشد تا اثر مثبتی در پی داشته باشد [11].

مبانی شکل گیری تمدن ها

تمدن در زبان انگلیسی "civilization" و در عربی «الحضاره» خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدینت گرفته شده است و به شیوه زندگی در جامعه اشاره دارد [44]. تمدن یک پدیده اجتماعی است که در سیر تاریخی متاثر از عوامل مختلفی پدید می‌اید. این خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان و توین بی حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نواور می‌داند. ویل دورانت نیز ان را نتیجه وجود نظم اجتماعی عنوان می‌کند. بر این اساس تمدن مبنای اجتماعی دارد و جامعه نیز به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که در قلمرو جغرافیایی مشخصی زیست می‌کنند و فرهنگ مشترکی دارند. اما مبنای شکل گیری تمدن در جوامع انسانی چه می‌تواند باشد؟ این خلدون عصیت را محور تبیین حرکت‌های تاریخ و صعود و سقوط تمدن‌ها می‌داند. عصیتی که ناشی از همبستگی اجتماعی و حتی دین است، اما در نگاه توین بی، برآوردن نیازها و رفع محدودیت‌های بشر عامل خلق تمدن‌ها است. از منظر او تمدن واکنش بشر است به تهاجمات و سختی‌های طبیعت که خلاقیت انسان را برمی‌انگیزد. ویل دورانت مبنای شکل گیری تمدن را ارزش‌های هدفمند و متعالی می‌داند که به نهادینه شدن همکاری و تعاون در جامعه می‌انجامد. از نظر ویل دورانت شالوده تمدن را نیز اخلاقیات شکل می‌دهد [52].

سیک زندگی نمی‌تواند به ما امنیت و ارامش روانی بیخشد[20].

مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم تمدن اسلامی، فرهنگ را فضای رشد و اعتلای انسان برای دستیابی به غایات مطلوب مد نظر خالق، برای داشتن یک زندگی خوب و عزتمند عنوان می‌کنند و تمدن اسلامی به معنی فضای به وجود آورنده انسان عزیز، دارای قدرت، دارای اراده و ابتکار برای سازندگی جهان طبیعت است که هدف و ارمان نظام جمهوری اسلامی است [22].

لوامز اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری سه مولفه اساسی است:

۱- ایمان و ایدئولوژی- ایشان ایدئولوژی، مکتب و فکر را موتور اصلی و محرك تمدن سازی یک ملت می‌دانند.

۲- عدم الگوبرداری و تقليد از غرب- اصلاح سیک زندگی، رفتار اجتماعی و اخلاق و فرهنگ مبتنی بر تمدن نوین اسلامی و مواجهه با تمدن غرب.

۳- اصلاح سیک زندگی- مسائلی نظیر خانواده، لباس، الگوی مصرف، نوع مسکن، ازدواج، تفریح، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی که مبتنی است بر تفسیر افراد از زندگی که همان فرهنگ جامعه است. فرهنگ اهداف را تعیین می‌کند و مطابق ان سیک زندگی شکل می‌گیرد [20].

ایمان و ایدئولوژی ← فرهنگ و تفسیر از زندگی ←
اهداف ← سیک زندگی ← تمدن نوین اسلامی

با در نظر گرفتن مباحث نظری فوق در اندیشه و کلام رهبری و متفکران می‌توان به این نتیجه رسید که مولفه اساسی شکل دهنده به تمدن نوین اسلامی، فرهنگ است و تاکید مقام معظم رهبری بر مقوله فرهنگ نیز بر همین مبنای است. ایشان در تشریح کارویژه‌های فرهنگ بر مولفه‌های سازنده تمدن نوین اسلامی تاکید می‌کنند که در ادامه بدان اشاره می‌کنیم.

فرهنگ و کارویژه‌های اصلی و اساسی سازنده تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام رهبری
۱- کارویژه الهام بخشی و شکل دهنی به رفتار و کودار (سیک زندگی)

با این مقدمه می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای برساختن تمدن نوین اسلامی و حرکت به سوی ان درگاه ورودی و بستر اصلی فرهنگ است. مقوله‌ای که در گفتمان مقام معظم رهبری، همواره محوری بوده است و یکی از کارویژه‌های ان

از منظر این نبی، ادبیان کارکردی اجتماعی دارند و می‌تواند تمدن افرين باشند. در واقع نقطه ثقل سرنوشت تمدن‌ها فرهنگ است و این مبانی و مفاهیم دینی اسلام است که در ساختار فرهنگ، مناسبات اجتماعی و سیک زندگی را تعیین می‌بخشد و تمدن اسلامی را رقم می‌زند [2].

وقتی سخن از تمدن اسلامی به میان می‌اید معمولاً برهه‌ای از زمان به مدت ۵ قرن، از سده دوم تا هفتم قمری مراد است که در سرزمین‌های فتح شده به دست اعراب مسلمان حاکم بوده است و تاثیرات گسترده‌ای را در زمینه‌های فلسفه، تاریخ، طب و حکمت از خود به جای گذاشته است [4]. اما تمدن اسلامی در حقیقت ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی است که متاثر از اسلام است. مراد از فرهنگ نیز صراف ادب و رسوم نیست. همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: منظور ما از فرهنگ، عقاید و اخلاق است. فرهنگ، باورها و ارزش‌ها است و مسائل دیگر جنبه فرعی و ثانوی دارد. ادب و رسوم، ماهیت فرهنگ را عوض نمی‌کند. حقیقتاً جایی که اسلام در زندگی اجتماعی مردم اثر می‌گذارد در بعد فرهنگی است و به وسیله فرهنگ با تمدن ارتباط پیدا می‌کند. به همین خاطر مسائل فرهنگی و تمدن با هم امیخته است [58].

تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پایه گذاری تمدن نوین اسلامی بود. با بررسی دیدگاه‌ها و سخنان مقام معظم رهبری در خصوص موضوع تمدن اسلامی، به درستی روشن می‌شود که ایشان هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌دانند.

تمدن نوین اسلامی از دیدگاه ایشان دو بخش دارد:
۱- بخش ابزاری که عبارت است از ارزش‌های لازم برای پیشرفت کشور مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی و

۲- بخش متنی، اصلی و اساسی که سیک زندگی است. همان چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد. مثل مسئله‌ی خانواده، سیک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، خط، زبان، کسب و کار، رفتار ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه‌ای که در اختیار ما است، پدر و مادر، فرزند، رئیس، مرئوس، پلیس، دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، دشمن، بیگانه؛ این‌ها ان بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

مقام معظم رهبری معتقد‌نده که پیشرفت در بخش افزاری تمدن یعنی همان ابزار به تنها‌ی و بدون پیشرفت در

جاهی بود، به وضوح دیده می‌شود و اساساً سیره و منش امامان هدی (ع) نیز بوده است. پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) هم خود بصیر بودند و هم جامعه را به بصیرت و اگاهی فرامی‌خواندند.

یکی از مهم ترین راهبردهای مورد تأکید مقام معظم رهبری، به ویژه در حوادث پس از انتخابات سال ۸۸، برای مقابله با جنگ نرم، "بصیرت" احاد جامعه به ویژه خواص و نخبگان بود. ایشان بصیرت را قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» [37].

بصیرت به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها و کارویژه‌های فرهنگی مورد نیاز جامعه اسلامی است و می‌بایست در همه اقسام جامعه بخصوص جوانان، روحانیان، متهدان، فرهنگیان، دانشگاهیان و حوزه‌یان رشد کند تا تبیین کننده هدف، وسیله، شناخت دشمن، شناخت موانع، راه‌های جلوگیری و برداشتن موانع باشد [37].

بنابراین بصیرت به عنوان یکی از کارویژه‌های فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، نیاز همه نسل‌ها و اقسام جامعه و به خصوص نخبگان برای تشخیص صحیح از ناصحیح و سره از ناسره است و همت جامعه اسلامی باید درک و کسب این مهم باشد.

۳- تقویت سرمایه اجتماعی (بخش اصلی و اساسی)

سرمایه اجتماعی کارویژه‌ای دیگر از فرهنگ است. سرمایه اجتماعی با مولفه‌های وفاداری، اعتماد و امید شالوده‌های نظام و نظام اجتماعی را مستحکم و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. جامعه دارای این سرمایه می‌تواند در برابر جنگ نرم دشمنان خود مقاومت کند. سرمایه اجتماعی به مثابه منبع کنش جمعی، نشانه یک جامعه قوی بوده و بخشی از "فرایند ظرفیت سازی" است. موقوفیت جامعه و افراد ان و امنیت جامعه به سرمایه اجتماعی بستگی مستقیم دارد [5].

با درک اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان منبع قدرت یک کشور، از منظر مقام معظم رهبری «دشمنان ... می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، ... اگر ملت غیرت ملی و وحدت و همبستگی خود را ... نشاط کار و ابتکار را ... و حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند» [20].

الهام بخشی و سامان دهی رفتار و کردار انسان‌ها است. به مثابه: «باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، ... و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال انها است» [11]. مقام معظم رهبری فرهنگ را به مثابه هوایی که انسان ناگزیر است در هر شرایطی تنفس کند، تعریف کرده و می‌فرمایند: «چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناجار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، اثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کنیف باشد، اثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است» [11]. بنابراین این عنصر الهام بخش می‌بایست عاری از هر گونه الودگی و زنگار باشد. چراکه برای جامعه اسلامی اهمیت و نقش فرهنگ صحیح، اهمیتی مضاعف می‌یابد و می‌تواند ملتی پیشرفته، عزیز، توان، عالم، فناور، نوادر و دارای ابروی جهانی بسازد. چراکه فرهنگ بستر اصلی زندگی، و حرکت عمومی سیاسی و علمی است [36].

حرکت هر جامعه‌ای براساس فرهنگ ان جامعه است. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن انها حاکم است. دولت و دستگاه حکومت نمی‌تواند از این واقعیت به این اهمیت، خود را کنار نگهدارد. در اندیشه مقام معظم رهبری: «فرهنگ مثل توری است که ماهی‌ها بدون این که خودشان بدانند، در داخل این تور دارند حرکت می‌کنند و به سمتی هدایت می‌شوند. ما مسئولیت داریم این فرهنگ را بشناسیم؛ اگر ناصواب است، ان را تصحیح کنیم؛ اگر ضعیف است، ان را تقویت کنیم؛ اگر در ان نفوذی هست - مانند مثال‌هایی که ایشان در باب اینترنت زند - دست نفوذی را قطع کنیم. بنابراین فرهنگ به عنوان شکل دهنده‌ی به ذهن و رفتار عمومی جامعه هم یکی از میدان‌های اساسی است» [13]. اضباط، اعتماد به نفس ملی، اعتتزاز ملی، قانون پذیری، غیرت ملی، فرهنگ ازدواج، فرهنگ رانندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره و فرهنگ لباس» [14]. از مهم‌ترین بخش‌های فرهنگ رفتاری هستند که بحث ضرورت مهندسی فرهنگی در راستای تاثیرگذاری بر همین فرهنگ عمومی مطرح شده است.

۴- بصیرت‌زایی (بخش اصلی و اساسی)

بصیرت، اگاهی و بینش صحیح یکی از مهم‌ترین مقوله‌های فرهنگی جامعه مسلمان است. در پرتو بصیرت می‌توان حق را از باطل و دوست را از دشمن به خوبی بازشناخت و در رخدادهای حساس، واکنشی صحیح و مناسب نشان داد. بصیرت در سیره رسول اکرم (ص) که رسالت اصلی‌اش روش‌گری و اگاهی دادن به مردم برای رشد عقلی و علمی، فرهنگی و ترک ادب و رسوم

بستر سازی پیشرفت علمی، اقتصادی و سیاسی، تقویت سرمایه اجتماعی و در نتیجه استحکام و انسجام اجتماعی برای مقابله با هر گونه تهدید و تقویت اتحاد و همیستگی همه افشار و گروههای اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری با فراهم شدن این ملزمات اساسی می‌تواند جامعه‌ای این، رشد یافته و قوی مبتنی بر تمدن نوین اسلامی بسازد فراهم شدن این ملزمات نیازمند برنامه ریزی و مهندسی فرهنگی است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

ضرورت و امکان مهندسی فرهنگی و وابستگی سیاست و اقتصاد به فرهنگ

۱- ضرورت مهندسی فرهنگی

در پاسخ به این سوال اساسی که چرا جامعه ما نیازمند «مهندسی فرهنگ» و «مهندنسی فرهنگی» است باید خاطر نشان ساخت که فرهنگ نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش فرض‌های اصلی اعتقادی انسان‌ها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی استخراج می‌گردد و این نظام رفتارهای انسان‌ها را در برابر خالق، دیگر انسان‌ها، خود و طبیعت، شکل می‌دهد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. وقتی در قالب نظام (سیستم) داده و ستاده، سه رکن اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای انسان مطالعه می‌گردد، متوجه می‌شویم، که هم از رهگذر تغییر باورها، رفتار انسان‌ها تغییر می‌کند و هم با پذیرش رفتارهای جدید از محیط پیرامونی، به تدریج و به ارامی نوع باورهای انسان‌ها تغییر می‌باید. با درک و پذیرش این بحث، متوجه می‌شویم که تغییرات فرهنگی در یک جامعه، حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه انسان‌ها در یک جامعه و مبادلات فرهنگی، فکری و علمی، تکنولوژیکی با سایر جوامع است و حال اگر به هر دلیلی، وجود و تداوم باورهایی برای ادامه حیات هدفمند یک جامعه ضرورت داشته باشد، منطقاً باید همه اعضای یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ و تداوم آن باورها حساس شوند.

۲- وابستگی سپهر سیاست و اقتصاد به فرهنگ

داده‌ها و ستاده‌هایی که بین سه وجه کلی جامعه، یعنی اقتصاد، سیاست و فرهنگ وجود دارد، نشان می‌دهد هر اقدام مثبت یا منفی در فرهنگ، سیاست یا اقتصاد رخ دهد، پس از اصلاح یا تخریب آن بخش، بلاгласله یا به تدریج بر ابعاد دیگر جامعه اثر می‌گذارد. درک علمی مفهوم فرهنگ و تأثیر آن در عرصه اقتصاد و سیاست نشان می‌دهد که باورها و ارزش‌هایی که عامل اصلی و محوری ایجاد نظام قدرتمند اسلامی هستند،

بنابراین این مولفه مهم اجتماعی و فرهنگی می‌تواند یک جامعه را هم در برابر دشمن و توطئه‌هایش بیمه کند و هم بسترها توسعه و پیشرفت را فراهم نماید و می‌بایست برای همه واجد اهمیت و برنامه ریزی باشد.

۴- ابزار ایجاد اتحاد (بخش اصلی و اساسی)

فرهنگ می‌تواند بستر ساز وحدت و انسجام اجتماعی در میان همه اقوام، مذاهب و گروههای اجتماعی باشد. یکی از اهداف دشمن ایجاد اسیب و اختلال در وحدت نظام اجتماعی است. ایجاد اختلاف و تقابل، درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون و تنش بین جریان‌های سیاسی، از مهم‌ترین اهداف دشمنان در مقابله با کشور به شمار می‌رود.

راه مقابله با این جنگ فرهنگی شناخت ابزارهای دشمن و خشی کردن اثر آن‌ها است. به بیان مقام معظم رهبری: «دشمن ... با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ پراکنی و استفاده از برخی بهانه‌ها، میان احاد مردم تردید، بدینی و اختلاف ایجاد [می‌]کند ... تا دل‌های مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولان چرکین شود» ایشان بصیرت را یکی از مهم‌ترین راههای مقابله با این ترفند دشمن می‌دانند بر اتحاد مردم و جریانات سیاسی براساس مصالح ملی، در مقابل دشمن و عناصر فریب خورده آن‌ها تاکید می‌کنند [17].

این وحدت می‌تواند خود را نمازهای جمعه، راهپیمایی‌ها، نماز عید فطر و ... نشان دهد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲) و تاکنون نیز ملت ایران در این عرصه‌ها به خوبی در مقابل توطئه دشمنان ایستاده و بصیرت و روشی بینی خوبیش را به نمایش گذارد است.

۵- کارویژه بستر سازی پیشرفت (بخش ابزاری)

کارویژه دیگر فرهنگ، هدایت جامعه به سوی رشد اقتصادی و رفاه و پیشرفت است. اما چه فرهنگ واجد این قابلیت است؟ «فرهنگی که با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد، زمینه‌ای خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند، از لحاظ ازادی هم به اهداف خودش برسد» [22]. چنین فرهنگی به تصمیم‌های کلان کشور، جهت می‌دهد و در تولید، خدمات، ساختمان سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی، حدودی را معین می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت که مقوله مهم فرهنگ با کارویژه‌های الهام بخشی و شکل دهی به رفتار و کردار جامعه،

انچه را که دارد. فرهنگ ایرانی اسلامی از قدرت و غنای کافی برخوردار است و این را در طی تاریخ طولانی خود ثابت کرده و با وجود تمام حملات توائسته است خود را حفظ کند. نمونه ای زبان فارسی رایج است که «حدود ۱۲۰۰ سال ذخیره فرهنگی بر جسته دارد که می‌توان از آن برای پیشبرد فرهنگ بشری استفاده کرد و به آن غنا بخشید» [12].

۴- مبنای مهندسی فرهنگی در پیوند با ایمان و ایدئولوژی

حال با درک اهمیت مهندسی فرهنگی می‌باشد که این سوال پرداخت که چه مهندسی فرهنگی‌ای مطلوب ما است و می‌تواند ما را در رفع اسیب‌های اجتماعی کمک کند؟ مهندسی فرهنگی‌ای که منبع از اصول و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی باشد [53]. رسالت اصلی نظام مهندسی فرهنگی ایجاد جامعه ایده‌آل با الهام از ایات الهی است. تحقق این نظام مستلزم سامانه‌ای است که بتواند متولی مهندسی فرهنگ اسلامی باشد و اولاً از ظرفیت تمامی مجموعه‌های موجود استفاده نماید، ثانیاً آن‌ها را به نحو مناسبی بهم پیوند دهد تا در سیری چند مرحله‌ای و در سطوح مختلف با هدف مشترک و با هماهنگی فعالیت نمایند، ثالثاً طرح‌ها و برنامه‌ها باید با نظام هوشمندانه و توسعه پذیری مدیریت و کنترل گردد [39].

بر این اساس کار خلیفه الهی بیش از انکه سیاسی یا نظامی یا اقتصادی باشد، فرهنگی است و سیاست و اقتصاد و نظامی‌گری جملگی صورتی الی و وسیله‌ای می‌باشد که در خدمت تعلیم و تربیت و ارتقاء معنوی انسان‌ها که هدف غایی است قرار می‌گیرند. مجموعه باورهایی که منجر به ایران مستقل و قوی شده است در برابر هجمه فرهنگی دشمن نیازمند حراست و تقویت است. این حراست و تقویت با برنامه ریزی و ایجاد راهبردهای موثر و مناسب در قالب مهندسی فرهنگی اتفاق می‌افتد و شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه به عنوان نهاد مسئول می‌تواند پیشتاز و کارآمد باشد تا از این رهگذر بتوان تمدن نوین اسلامی را تقویت نمود.

تلازم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی و شاخصه‌های فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

در این مبحث به بررسی تاثیر فرهنگ بر شکل گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. در عبارت "تمدن نوین اسلامی"، صفت "نوین" به "تمدن" اضافه گردیده و با اصطلاح "اسلامی" شرح داده شده است: انچه این تمدن را از تمدن غرب متمایز می‌کند، مبانی هستی شناسی، جهان بینی و

تولید کننده و اشاعه دهنده امواج انقلاب اسلامی در سطح جهان نیز هستند، و همین باورها با اقدامات از پیش طراحی شده سازمان‌های استکبار جهانی مورد هدف قرار گرفته‌اند که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان تهاجم فرهنگی یاد کرده است. این باورها با تاثیرگذاری علوم ناقص و وابسته غریب، به ویژه در حوزه علوم انسانی، ضعیف می‌شوند و از رهگذر توسعه نظام سرمایه داری لجام گسیخته حاکم بر جهان در قالب توانمندی‌ها و سازمان دهی‌های جهانی، تهدید و تخریب می‌گردد. از این رو لازم است برای مواجهه با این مجموعه عوامل مخرب، همواره فعالیت‌های متناسب طراحی و اجرا شود [8].

۳- لزوم برنامه ریزی مهندسی فرهنگی توسط کارگزار فرهنگ

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور فعالیت و کنش نظام فرهنگی کشور برای مقابله با اقدامات مخرب فرهنگی دشمن خواهد بود. از منظر مقام معظم رهبری این مهندسی عمق و پیچیدگی بالایی در حوزه مدیریت راهبردی کشور دارد. اجرای این وظیفه به کمک بهره گیری از نتایج تلاش‌های علمی، پژوهشی و مطالعاتی در موضوع فرهنگ و توسعه فرهنگی و در اختیار داشتن اطلاعات استراتژیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان ممکن می‌شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه به عنوان متولی فرهنگی کشور در صورت داشتن عقبه علمی- فکری مناسب و اثاق‌های فکر برای تامین دانش و بصیرت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور می‌تواند موفق عمل کند [29].

این شورا در راستای مهندسی فرهنگی می‌تواند به تبیین این مهم پردازد که «فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زا، صیرورت بخش و کیفیت بخشی که به عنوان فرهنگ در درون انسان‌ها و در جامعه لازم است وجود داشته باشد، چگونه باید باشد. اشکالات و نقایصی که در وضعیت موجود دارد چیست و چگونه باید رفع شود» [9].

باید انسان از خود بیگانه شده را به خود اورد و نظام مفاهیمی را که منطق استعماری در وجود او به وجود اورده است نایبود ساخت، اعتبار نظام‌های نمادی قبل از تسلط استعماری را تجدید کرد و به جامعه، فریاده، سرودها و تصاویری را که استعمارگران دزدیده‌اند، بازگرداند [43]. این‌ها عملی نخواهد شد مگر با فرهنگ ملی که تنها وسیله رهایی از استعمار است. با برنامه ریزی دقیق و کار و تلاش بیشتر باید فرهنگ ملی را تقویت و به جامعه معرفی کرد؛ یعنی

مهمترین دغدغه‌ای که به انجام تحقیق حاضر متنه شده است، بحث چگونگی تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای اهداف حضرت مقام معظم رهبری است که طرح تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند و لازم است الزامات تحقق این ارمان از جهات مختلف بررسی شود. «در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، ضروری است که بهطور همزمان دو جبهه ابزاری و حقیقی تمدن مورد توجه قرار گیرد» [44].

تمدن عظیم اسلام پس از قرن‌ها درخشش و الهام بخشی به سایر تمدن‌ها و ملل جهان، دچار افول و رکود شد. اما در عصر حاضر، با شکل گیری انقلاب اسلامی با رویکردی دینی و با ارمان سعادت حقیقی بشر مجدداً وارد حرکتی نوین شد که در نگاهی کلان، می‌توان آن را ادامه بعثت پیامبر اکرم (ص) و حرکتی تاریخی در مسیر احیای تمدن عظیم اسلامی در نظر گرفت.

در این بخش از بحث با بررسی مهمترین مولفه‌های فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری که در ارتباط مستقیم با شکل گیری تمدن نوین اسلامی دارد، چگونگی این تاثیر را مورد تحقیق قرار داده‌ایم. مهمترین مولفه‌های تاثیر فرهنگ بر شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱- خودباوری

احساس هویت و خودباوری، به معنی اتکا به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های بومی است. اتکای به خود، افقی جدید می‌گشاید که بربایه برساختن جامعه‌ای است که در نقطه مقابل جامعه آرمانی مورد نظر تمدن مادی غربی قرار می‌گیرد. از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم، مفتخر بودن یک جامعه به سنن، تاریخ، حال و امید به اینده است. منشا این اعتماد به نفس را می‌توان در منابع بسیاری جست وجو کرد. افتخار به این و مذهب، رضایت از زندگی در جامعه خودی، ارجحیت دادن فکر و کالای کشور خود به دیگر کشورها، امدادگی برای هزینه دادن در راستای استقلال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و بسیاری موارد دیگر از جمله این منابع می‌باشد.

افزایش مولفه‌های خودباوری در کنار ایجاد استحکام درونی، جلوه‌های جذاب و عمیقی نیز در ارتباطات خارجی یک کشور بازی می‌کند. در حقیقت اعتماد به نفس، یکی از جذابیت‌هایی است که در نگاه ناظران خارجی به افراد، جامعه و ساختار یک کشور اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تسلط بر جوامعی که افراد ان دارای اعتماد به نفس هستند، بسیار دشوار خواهد بود.

امام خامنه‌ای (مدخله العالی) نیز با درایت خود بر این مهم تاکید بسیاری دارند و اعتماد به نفس ملی به وجود امده در دهه‌های اول انقلاب را متأثر از بروز انقلاب اسلامی، فرایند

انسان شناسی است که در سیک زندگی، شیوه استفاده از منابع و ظرفیت‌های خدادادی و ارزش گذاری بر بعد حیوانی انسان نمود و تجلی پیدا می‌کند. بحث تمدن نوین اسلامی با اعلام بیانیه مهم گام دوم انقلاب رهبر انقلاب اهمیت فرازینه‌ای پیدا کرد [40].

تمدن نوین اسلامی جامعه‌ای است که شاخص اصلی ان بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالی انان، در عالم طبیعت و در وجود خود انان تعییه کرده است [43].

تمدن نوین اسلامی، عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، سیستماتیک و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته است [50].

به نظر می‌رسد این تعریف از تمدن اسلامی دقیق‌تر و جامع‌تر باشد؛ تمدن نوین اسلامی در واقع تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی انان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به ان جهت داده و ان را از افاتی که بشر دچار آن شده است مثل پوج گرایی، عدم احساس امنیت، نابرابری و فقدان معنی در زندگی نجات خواهد داد. رهبر انقلاب تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم بر می‌شمارند و تولید فکر از افیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و احاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند.

رهبر انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، به ورود انقلاب اسلامی ایران به دو مراحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اشاره و بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به ارمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند (روحی، ۱۳۹۴: ۱۹). در اندیشه ایشان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالی انان، در عالم طبیعت و در وجود خود انان تعییه کرده است. ایت‌الله خامنه‌ای از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند [41].

مسلمانان در پاسخ به شعار «اعلُّ هُبَلْ اعلُّ هُبَلْ»، شعار «اللهُ أَعُلُّ وَ أَجْلُ» و در پاسخ به شعار «لَنَا الْعُزْرَى وَ لَا عُزْرَى لَكُمْ»، شعار «اللهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ» را سر دادند [37].

نهاد مسجد پایگاه مهمی برای ایجاد، گسترش و همگانی کردن تمدن نوین اسلامی است. «مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم اورد که حتی از دسترس موثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند» [58]. مسجد با ایجاد ارتباط مستقیم چهره به چهره میان ارتباط گران و مخاطبان و دریافت بازخوردهای فوری و تاثیر عاطفی و احساسی می‌تواند به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش پردازد و بنیان‌های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه بیزی کند [45].

از منظر مقام معظم رهبری مساجد، جایگاه ارتباط انسان با پژوهشگار و از جمله مراکز تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی است که باید با برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری، عمران، معنوی مساجد را تقویت کرد و از ظرفیت شوق‌اوری و شوراگرفتی مساجد برای جذب قشرهای مختلف مردم و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، بهره‌گیری کامل کرد. یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار مسجد، منبر است که می‌باشد بیدارکننده ذهن‌ها باشد. بیداری که از انقلاب اسلامی اغاز گردید و از جوان‌ها خمودگی ذهن را زدود و انان را با مفاهیم انقلابی اشنا کرد و منبر باید پاسخ دهنده به سوالات ذهن‌های بیدار باشد [10].

از سوی دیگر مسجد می‌باشد محل پیوند مراکز مختلف باشد. پیوند مراکز اموزشی با مساجد یکی از اتفاقاتی است که از منظر مقام معظم رهبری بسیار نیکو است. تقدیر از نفرات شایسته و موفق، بزرگداشت ازدواج، تولد، موفقتی‌های علمی، اجتماعی، هنری و ورزشی از اقداماتی است که کارکرد مسجد به عنوان مامن و مایه خیر و برکت را فراهم می‌کند [19].

مسجد با چنین جایگاه و کارکردی می‌تواند نقش تعیین کننده در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا نماید و به عنوان یک نهاد موفق اجتماعی هم در زمینه فردی موجب رشد شخصیت افراد شود و هم در زمینه اجتماعی به بهبود رفتارهای اجتماعی و بهره‌مندی از سبک و سیاق زندگی معنوی و اسلامی بیانجامد. این مهم به کمک مبلغان، روحانیون و عالمان وارسته دینی در مساجد به عنوان عناصر انتقال پیام انجام خواهد پذیرفت.

۳- فرهنگ کار و تلاش مجدانه

و جدان کاری با رشد همت و تلاش مقوله‌ای فرهنگی است که به باور بسیاری از صاحب نظران جامعه را به پیشرفت همه

دفاع مقدس و شخصیت و منش امام خمینی (ره) عنوان می‌کنند که در حال حاضر نیز بر اثر پیشرفت‌های گوناگون به نصاب قابل قبولی رسیده است. اما همچنان «بیم ان هست که در عرصه جنگ‌های روانی و تبلیغاتی و به اصطلاح جنگ نرم بین ما و دشمنانی که بسیار اصرار بر ادامه این نبرد دارند، این اعتماد به نفس یا خدشه پیدا کند، تضعیف شود، متزلزل بشود.» [26].

برای مقابله با این جنگ روانی مردم و بدویژه نخبگان می‌باشد هوشیار باشند و عواملی که باعث تضعیف اعتماد به نفس ملی می‌شود نفی کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل مصونیت در برابر این هجمه از منظر ایشان علم و دانش است و دشمن برای اسیب رساندن به اقتدار و اینده کشور علم و پژوهش را هدف می‌گیرد [26].

خودباوری و اعتماد به نفس ملی که با وقوع انقلاب اسلامی تبلور یافت می‌باشد با هوشیاری همگان بهخصوص جامعه نخبه و دانشگاهی حفظ شود و توسعه باید و در برابر تبلیغات روانی دشمن برای منحل کردن تمدن دینی در تمدن مادی خودش، و ایجاد احساس «تحفیری»، «فریفتگی» و «انحلال»، با علم اموزی و گسترش دانش و پژوهش مصونیت پیدا کند.

۲- توجه به جایگاه مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی

مسجد در فرهنگ اسلامی، به عنوان مرکز تجمع مسلمانان و محل گفت‌وگوها، تبادل اراء، اندیشه‌ها و مکان اتخاذ تصمیم‌های مهم، ایجاد و تعیین شده است (توبه/۱۰۷). مسجد به مثابه اصلی‌ترین مکان در تمدن اسلامی از صدر اسلام، مرکز رخداد تمامی اموری بود که در مسائل اجتماعی به جهان اسلام و مسلمین مربوط می‌شد [4]. جایگاه مسجد در اسلام با جایگاه معابد در ادیان دیگر کاملاً متفاوت است و نقطه تفاوت ان جایگاه اجتماعی و سیاسی ان است. مسجد علاوه بر کارکردهای عبادی، اجتماعی- سیاسی، تعلیمی، پایگاه عبودیت، انجام مراسم ایینی، انجام فعالیت‌های هنری، برگزاری جشن‌ها و مناسبتهای عمومی، کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، مشورت و قضاویت، دفاع و بسیج عمومی نیز بوده و هست [54].

از همین پایگاه بود که به عنوان یک اقدام مهم فرهنگی در صدر اسلام، اشعار جاهلی در وصف بتها و حاوی اندیشه‌های خرافی به شعرها، شعارها و رجزهایی با محتوای غنی که تفکرات ناب اسلامی و توحیدی را نمایش می‌گذاشت، بدل شد. نمونه این تحولات فرهنگی در فتح مکه اتفاق افتاد که

فرهنگ و سبک زندگی، برگرفته از نظریه های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه، یعنی قانون است. با توجه به الگوهای ارائه شده در دین اسلام، هرچه فرد از نظر سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی و ائمه اطهار (ع) و قران نزدیکتر باشد، فرد موفق تری در جامعه محسوب می شود و در رعایت تقوی، عدالت، حقوق دیگران، کار و تلاش پیشگام خواهد بود.

سبک زندگی مبتنی بر نگاه اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری، یکی از مهم ترین ابزارها در بنای تمدن سازی نوین اسلامی است که به پیشرفت همه جانبی کشور کمک می کند، تمدن نوین اسلامی، دارای دو بخش ابزاری و حقیقی و اساسی خواهد بود، که سبک زندگی بخش حقیقی ان را تشکیل می دهد. بخش ابزاری یا سخت افزاری ... [نیز شامل] علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و... است [۱۸].

بر این اساس اندیشه مقام معظم رهبری مبتنی بر این نکته است که سبک زندگی اسلامی و در بی ان تمدن نوین اسلامی به دنبال اجرای دستورات دین اسلام به طور کامل در تمامی شوونات زندگی انسان خواهد امد. البته باید توجه داشت که سبک زندگی اسلامی علاوه بر این که شرط حدوث یک تمدن نوین اسلامی است، شرط بقای ان تمدن نیز به حساب می اید؛ چراکه این سبک زندگی، ضمن افزایش رویش ها، جلوی ریش ها را نیز به شدت می گیرد و جهت حرکت را به سمت بقای تمدن ایجاد می کند.

نقش فرهنگ در پی ریزی تمدن نوین اسلامی با رشد مولفه های مهم و اساسی ان ارتباط وثیق دارد. خود باوری از پایه های اصلی اراده یک ملت برای رشد و توسعه است که خود مولفه ای فرهنگی است و می تواند بستر رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد و زا سوی دیگر می توان با فرهنگ کار و تلاش مجدانه نیز پیوند یابد. به لحاظ موقعیت و اهمیت نهادی مسجد یکی از ارکان اصلی هدایت و جهت دهی و ابلاغ پیام و همچنین پیوند دهنده فرهنگی همه اشار و محل اتخاذ تصمیمات یک جامعه اسلامی است. سبک و نگاه زندگی اسلامی نیز از جنبه های اساسی فرهنگ اسلامی است و رشد و هم افزایی این مولفه ها از منظر مقام معظم رهبری می تواند به شکوفایی تمدن نوین اسلامی بیانجامد.

نتیجه گیری

فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری نقش اساسی و تعیین کننده ای دارد. ایشان با اشاره به استعداد بی پایان انسان در رشد و تعالی معنوی، ویژگی های متعالی "انسان" را پایه اندیشه دینی، فرهنگی و ساخت جامعه اسلامی معرفی نموده است؛ بنابراین، فرهنگ در تحقیق ان نقشی تأثیرگذار دارد.

جانبه در سطوح گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کمک می کند [۳۵]. دین اسلام کار و تلاش را در پیوندی مستحکم با پرستش و عبادت تعریف می کند و انسان فعل مورد عنایت خداوند و اولیائی او قرار دارد و افرادی که از زیر کار شانه خالی می کنند، مورد طرد و لعن ایشان هستند.

مقام معظم رهبری نیز هر گونه ای از کار و تلاش «محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه» می داند و آن را برتر از سرمایه، مواد اولیه، انرژی و اطلاعات عنوان می کند. کار از منظر ایشان «روحی می دهد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه و آن را تبدیل می کند به یک موجود قابل مصرف». ایشان با بیان اینکه میزان کار و تلاش جمعی در کشور رضایت بخش نیست، بر تبدیل فرهنگ کار به خصلتی ملی تاکید دارند و در این زمینه نقش مدیران و بازوan فعل کشور را بسیار مهم می دانند. [۱۶]. به اعتقاد ایشان تمدن نوین اسلامی در دنیای اقتصادی کنونی، فقط با کار و تلاش شبانه روزی و خلاقیت و ابداع و نوادری ممکن خواهد بود.

۴- سبک زندگی اسلامی

برای احیای تمدن اسلامی و پایه ریزی تمدن نوین اسلامی، یکی از اقدامات اولیه و ضروری، توجه ویژه به سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری متناسب با ان خواهد بود. سبک و شیوه زندگی مولفه هایی چون تشکیل خانواده و ازدواج، نوع البسه و خوراک، مسکن و معماری، الگوی مصرف، تفریحات و شیوه گذران اوقات فراغت، روش معيشت و کسب و کار، نوع هنر، ادبیات و سینما و غیره را تشکیل می دهد، برای تمدن سازی نوین اسلامی باید در هر کدام از این بخش ها فرهنگ سازی لازم صورت گیرد. یکی از جنبه های سبک زندگی که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش کلیدی دارد و یک امر فرهنگی است فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از تجمل گرایی و اسراف است. مصرف در فرهنگ اسلامی ابعاد مختلفی دارد که می توان به حق مصرف، چگونگی مصرف، نوع مصرف، سطح مصرف، مقدار مصرف، انگیزه های مصرف و مواردی از این دست اشاره کرد [۳۷]. از جنبه های دیگری از رفتار اجتماعی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی که از مهم ترین اولویت تعاملات اجتماعی امروز است، می توان به رعایت حقوق اجتماعی، کار جمعی، انصیباط اجتماعی، قانون گرایی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجود کاری نشاط اجتماعی، فرهنگ عبور و مرور، کرامت اجتماعی زن، سبک فرزندپروری اشاره کرد.

شیوه و سبک زندگی در فرهنگ اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی، یعنی قران و نظام عملی اسلام مبتنی بر شریعت، سیره و سنت ائمه اطهار است، در حالی که در نگاه غیر اسلامی،

مهندسی که نظام مفاهیم و منطق استعماری را نابود و فرهنگ ملی را تقویت و به جامعه معرفی کند.

شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری در پیوستگی بسیار با فرهنگ است. مبانی هستی شناسی، جهان بینی و انسان شناسی تمدن نوین اسلامی از فرهنگ غربی متفاوت است. این تمدن ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی انان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. برای بربایی این تمدن اولاً، نیازمند تقویت خودبایوری به عنوان یکی از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم هستیم. اعتماد به نفسی مبتنی بر سنن، تاریخ، حال و امید به اینده. مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی دومن، عاملی است که با استفاده از ظرفیت شوق اوری و شورافرینی در همه جنبه‌ها می‌تواند نهاد موفق اجتماعی باشد. عامل سوم، تقویت فرهنگ کار و تلاش مجدانه است که محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه و خلاقیت و ابداع و نواوری است. عامل چهارم، نیز بهبود سبک زندگی اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی، یعنی قرآن و نظام عملی اسلام است. سبک زندگی بخش حقیقی تمدن اسلامی و علم، اختراع، اقتصاد و سیاست بخش سخت افزاری ان است.

بنابراین در اندیشه مقام معظم رهبری، فرهنگ با همه کارویژه‌ها و مولفه‌هایش می‌تواند با مهندسی فرهنگی مبتنی بر اموزه‌های دینی و انسانی به عنوان پایه اصلی و اساسی شکل گیری تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کرده و بسترهاي تمدن نوین اسلامی برای ایرانی اباد، پیشرفتی و قوی را فراهم نماید.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسنده‌گان منابع مالی / حمایت‌ها: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

منابع

۱. ابن بنی، مالک (الف-۲۰۰۰). *لطاهرۃ القرآنیة*. دمشق، دارالفکر.
۲. ابن بنی، مالک. (۱۹۹۱). *تأملات*. دمشق، دار الفکر.
۳. ابن بنی، مالک. (ب-۲۰۰۰). *فی مهبة المركأة*. دمشق، دارالفکر.

نسبت فرهنگ و تمدن، نسبت بود و نمود است؛ جوهره اصلی فرهنگ که در شناختها و باورها، گرایش‌ها و ارزش‌ها و کردارها و رفتارها متبلور است، اندوخته‌های مادی و معنوی بشر را ترسیم می‌کند و تمدن، مظہر فرهنگ است. بنابراین فرهنگ و تمدن دو مقوله همزاد و پیوسته هستند که در طی تاریخ سرزمین‌ها و مردمان گوناگون، جلوه‌های مختلفی را به نمایش گذاشته و می‌گذارند.

انسان در قیاس با عوامل مادی و طبیعی در پیدایی نقشی مهم و اساسی در برخاست تمدن نوین اسلامی دارد. بنابراین ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی که مجموعه عوامل شکل گیری باورها و خلقيات و رفتار انسان هستند، نقشی تعیین کننده در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

در بعد کلان پس از وقوع انقلاب اسلامی و توسعه دیدگاه انقلابی و اسلامی مبتنی بر تفکرات امام راحل و مقام معظم رهبری در سراسر جهان اراده مقابله با نظام اسلامی شکل گرفت و شکست مقابله‌های نظامی و سیاسی توجه دشمن را به مقابله فرهنگی و جنگ نرم معطوف ساخت. درک این مهم یکی از اساسی‌ترین علل اهمیت مقوله فرهنگ و تلاش برای ساختن تمدن نوین اسلامی است.

تأثیر فرهنگ بر انسان از دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر کارویژه‌هایی است که شناخت ان‌ها به تمرکز و ریل گذاری صحیح‌تر فرهنگی کمک می‌کند. یکی از این کارویژه‌ها الهام بخشی و شکل دهی به رفتار و کردار است که یکی از میدان‌های اساسی فرهنگ است. کارویژه بعدی فرهنگ، بسترسازی برای پیشرفت همه جانبه جامعه است چراکه فرهنگ پایه و اساس اقتصاد، سیاست و اجتماع است. کارویژه دیگر فرهنگ بصیرت‌زاوی است که با آگاهی بخشی، به تشخیص صحیح از ناصحیح و سره از ناسره در جامعه کمک می‌کند. فرهنگ به تقویت سرمایه اجتماعی نیز می‌انجامد. سرمایه اجتماعی‌ای که شالوده یک نظام و نظام اجتماعی دارای وفاداری، اعتماد، امید و انسجام اجتماعی است. از سوی دیگر فرهنگ غنی دارای توانایی در برابر سیاست تفرقه افکنی دشمن می‌تواند ابزار ایجاد اتحاد در میان همه گروه‌ها باشد.

توسعه فرهنگ اسلامی و ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مستلزم مهندسی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی به تقویت باورهای بنیادین و پیش فرض‌های اصلی اعتقادی کمک می‌کند و فعالیت و کنش نظام فرهنگی کشور برای مقابله با اقدامات مخرب فرهنگی با داشتن اطلاعات استراتئیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان دشمن خواهد بود.

۲۴. بیانات رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۴/۱۵.
۲۵. بیانات رهبری در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲.
۲۶. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.
۲۷. بیانات رهبری در دیدار با اساتید، اعضای هیات علمی و نخبگان کشور، ۱۳۸۸/۸/۶.
۲۸. بیانات رهبری در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۱.
۲۹. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۶/۸/۶.
۳۰. بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.
۳۱. بیانات رهبری در حضور و سخنرانی رهبر انقلاب در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
۳۲. بیانات رهبری در دیدار بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳۳. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۱۰/۸.
۳۴. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان فرهنگی، ۱۳۸۷/۱۱/۷.
۳۵. بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم اذربایجان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸.
۳۶. بیانات رهبری در دیدار وزیر علوم و روسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.
۳۷. بیانات رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
۳۸. حجازی، سید علیرضا. (۱۳۹۷). تاثیر متقابل تمدن ایرانی و تمدن اسلامی. مقاله اولین همایش بین المللی امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام و نهضت علمی، تمدنی در جهان اسلام. آبان ماه ۱۳۹۷.
۳۹. قربی، جواه. (۱۳۹۲). سیدمحمد، بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مقالات دومین کنفرانس اسلامی ایرانی پیشرفت، اردبیلهشت.
۴۰. جوان اراسته، حسین. (۱۳۸۹). کارکرد مسجد در حکومت نبوی. حکومت اسلامی، بهار، ش ۴۳.
۴۱. حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۸). اصول الگوی مصرف اسلامی. قم: زمزم هدایت.
۴۲. اذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۹۰). تاریخ تمدن. تهران، کتابدار، چ اول، ۱۹۲.
۴۳. اقامانی، احمد، عسگری، محمود. (۱۳۹۰). جنگ نرم و فلنج‌سازی راهبردی. ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال نهم، ش ۹۸. اردبیلهشت صص ۲۱-۴۳.
۴۴. اعمالی و جعفری. (۱۴۰۰). بررسی و تبیین شاخص‌های انسان فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. مجله مدیریت فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۵.
۴۵. برائلو، فاطمه، صنایع، محمد. (۱۳۸۸). درامدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی. مجله نامه پژوهش فرهنگی، تابستان، ش ۳۸.
۴۶. بلخاری، حسن. فیزیک معنا. (یاسرهدایتی، مصاحبه کننده).
۴۷. روزنامه همشهری، ش ۳۴۷۴، ۳، یکشنبه اول مرداد ۱۳۸۳.
۴۸. بنیانیان، حسن. (۱۳۸۵). مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران. (خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی)، دی ماه، ۲۰-۲۱.
۴۹. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.
۵۰. بیانات رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴.
۵۱. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۵۲. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹.
۵۳. بیانات رهبری در دیدار با فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
۵۴. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۵۵. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل‌بیت (ع)، ۱۳۷۲/۱۱/۱۸.
۵۶. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.
۵۷. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بسیجیان کشور، ۱۳۸۷/۹/۴.
۵۸. بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۷/۲.
۵۹. بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۶۰. بیانات رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۱/۴/۷.
۶۱. بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه ایت‌الله مجتبهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
۶۲. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۲۰.

۵۵. مخبر، محمدرضا. (۱۳۸۵). نقش مهندسی فرهنگی در کاهش اسیب‌های اجتماعی. دو هفته نامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۵، دی ماه، ۳. ۵۷. مرکز صهبا. (۱۳۹۱). دغدغه‌های فرهنگی. شرحی مجزی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری.
۵۸. مقام معظم رهبری، نشریه هفته‌نامه پرتو، سال نهم، شماره ۴۰۸.
۵۹. متوجه پولوس. (۱۳۷۸). تمدن‌ها، فرهنگ‌ها: تقابل یا تعامل. مترجم: علی اکبر رشداد، قبسات، شماره ۱۴.
۶۰. موثقی، احمد. (۱۳۷۷). جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
۶۱. مهدوی نژاد، محمدمجود، مشایخی، محمد. (۱۳۸۹). باستانهای طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی اجتماعی. نشریه معماری و شهرسازی ارانشهر، ش ۵.
۶۲. وجدي، محمد فريد. دائرة المعارف القرآن العشرين، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
۶۳. ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). تاریخ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف، ۱۹.
۶۴. ویل دورانت. (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. ترجمه احمد ارام و دیگران، ج ۱، ج دوم، تهران: انتشارات اموزش انقلاب اسلامی، ۵.
۶۵. هیکل، حسنین. (۱۳۶۳). ایران: روایتی که ناگفته ماند. ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام.
66. Alsadri, seyedmohammadbagher. (1409). Historical Tradition in Quran. Damascus, Syria, the House of Introduction of Journals.
67. Alsadri, seyedmohammadbagher. (1434). Our Philosophy. Scientific Conference About Shahid Sadr.
68. Elviri, Mohsen va seyed reza mehdinejaad.(2012) The Relation Between Religion and Civilization in Thought of Malek Ebne Nabi. Quarterly Journal of Islamic Civilization and History. Ninth Period, Spring and Winter, no.18.
69. Farugi, IsmaïlRaji. (2013). The Essence of Islamic Civilization. The International Institute of Islamic Thought.
۴۲. دمشقی، ابن کثیر (ابوالفاء اسماعیل بن عمر). (۱۴۰۷). البداية والنهاية. دار الفكر، ج ۴، بيروت.
۴۳. دیبایی صابر، محسن. (۱۳۹۶). تبیین مولفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در استناد بالادستی اموزش و پژوهش ایران. دانشگاه شاهد، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۳.
۴۴. روحی، نبی الله. (۱۳۹۴). چشم انداز گفتمان تمدن گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. مطالعات راهبردی بسیج، سال ۴۶، ش ۶۴ زمستان، ۱۹، ۱۷.
۴۵. زمانی، حسین و تقی زاده، وحیده. (۱۳۸۵). ضرورت طراحی نظام مهندسی فرهنگی جهت اعتلای نظام اسلامی. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، دی ماه.
۴۶. زیگل، ظان. (۱۳۶۵). غارت افیقا یا استعمار دیواره. ترجمه عباس آگاهی، مشهد: استان قدس رضوی، ۲۰۹.
۴۷. سیدی، حسین. (۱۳۸۸). تمدن اسلامی. سوم، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (نشر مدرسه)، ۷.
۴۸. طوقانی، ابوذر. (۱۳۹۲). عوامل و زمینه‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی، بینا.
۴۹. غفاری هشجین، زاهد، ناصر خاکی. (۱۳۹۵). حسن، زمینه‌ها و باستانهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان. دوره ۱۹، شماره ۷۵.
۵۰. فرمهینی فراهانی، محسن؛ اشرفی، فاطمه. (۱۳۹۵). اصول اخلاق حرفای در نهج البلاغه. پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۵، ش ۱، بهار و تابستان.
۵۱. فرهنگ روز سخن. (۱۳۸۲). به سرپرستی حسن انوری، تهران: سخن، ۱۳۷۶ (۶). علل پیشرفت و انجطاط قربانی، زین العابدین. علل پیشرفت و انجطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ششم.
۵۲. لاچرودی، سید شهاب. (۱۳۹۷). جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و ایت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه، شماره ۲۸، ۵۵.
۵۳. محمدی، ذکر الله. (۱۳۷۳). نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب. قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی.
۵۴. محمدی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها. فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، ۱۴۱۱۸۴.